



علی باقریان



چنان پند که بودند روزی به هم
سُخن رفت هر گونه از بیش و کم^{۱۱}
ز بیدادگر شاه و از لشکرش
وز آن رسم های بد اندر خورش^{۱۲}

یکی گفت ما را به خوالیگری^{۱۳}
بباید بر شاه رفت آوری^{۱۴}
وز آن پس یکی چاره ای ساختن
ز هر گونه اندیشه انداختن^{۱۵}

مگر^{۱۶} زین دو تن را که ریزند خون
یکی را ثواب آوریدن^{۱۷} برون

۱- بیش و کم: حال، وضع.
۲- اندر خورش: در خور او، شایستهٔ خودش.
۳- خوالیگری: آشپزی.
۴- آوری: گرویده، معتقد؛ بی گمان.
۵- یکی از آن دو گفت: «بر ماست که-چنان که گویی اراستی و درستی شاه را باور داریم- ادر ظاهر ا برای آشپزی نزد او برویم» یا «بی گمان، بر ماست که ادر ظاهر ا برای آشپزی نزد شاه برویم.»
۶- اندیشه انداختن: چاره گری.
۷- مگر: شاید، به امید آنکه.
۸- آوریدن: آوردن.

سیدسعید میرمحمدصادق درباره اهمیت خلیج فارس در فرهنگ ایران می گوید

پهنه خلیج فارس، جلوه‌گاه فرهنگ ایرانی

رامدمنش

خلیج فارس از دنیای باستان تا دنیای مدرن و تا امروز از جنبه سیاسی، استراتژیک و اقتصادی اهمیت بسیار داشته تا آنجا که حفظ آن برای حکومت‌ها حیاتی بوده است. اما تنوع قومی و فرهنگی آن و جایگاه آن در فرهنگ و تمدن ایران چیزی است که علی‌رغم اهمیت زیادش بسیار کم به آن توجه شده است. به مناسبت روز ملی خلیج فارس، گفت‌وگویی با سیدسعیدمیر محمدصادق، دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، نویسنده و پژوهشگر داشته‌ایم با محور اهمیت این منطقه در فرهنگ. او بر این باور است که برگزاری جشنواره‌های مختلف، اعم از هنری و غیرهنری، مانند جشنواره غذا و بازی و لباس و فراهم آوردن امکان حضور گردشگران خارجی می‌تواند هم در معرفی فرهنگ غنی خلیج فارس مؤثر باشد و هم آورده‌های مالی داشته باشد.

معمولاً، به سواحل خلیج فارس از منظر سیاسی، استراتژیک و اقتصادی نگاه می‌شود، و کمتر از جایگاه و نقش آن در فرهنگ و تمدن ایران گفته شده است. درباره این جنبه مغفول برایمان بگویید.

در طول تاریخ و تمدن این سرزمین، سواحل خلیج فارس و دریای عمان، که پیش‌تر آن هم در نقشه‌های جغرافیایی «دریای پارس» نامیده می‌شده، منظر حاکمیتی و سرزمینی، منظر اقتصادی بوده است. به هر حال، راه دریایی بوده که ما را به سرزمین‌های دیگر وصل می‌کرده و راه تبادل کالا از طریق دریا با سرزمین‌های اطراف و بعد با سرزمین‌های دوردست بوده است. این جنبه تا دنیای مدرن بسیار مهم بوده است؛ در دنیای مدرن، منظر سیاسی و استراتژیک هم به آن اضافه می‌شود، چون مرزبندی‌ها شکل می‌گیرد، مرزهای سیاسی، با تشکیل برخی کشورهای کوچک‌تر و شکل‌گیری برخی ملت-دولت‌های جدید در پیرامون، این شاخ‌آب مهم بین‌المللی، یعنی خلیج فارس، اهمیت سیاسی و بعد استراتژیک هم پیدا می‌کند. به خصوص در اواخر سده نوزده، و سده بیست که اهمیت تولید انرژی در این منطقه اهمیت سیاسی و استراتژیک آن را به مراتب افزایش می‌دهد. جنگ‌هایی هم که در اطراف این شاخ‌آب بزرگ بین‌المللی شکل گرفت، چه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و چه جنگ عراق با کویت و جنگ اول و دوم خلیج فارس که به موجب آن آمریکایی‌ها در این شاخ‌آب حضور پیدا کردند، بخشی‌اش بازبومی‌گردد به اهمیت استراتژیک این منطقه. تأسده نوزده، اهمیت نفت بود، و در سده بیست و بیست‌و یک اهمیت گاز هم به آن اضافه شده است. بنابراین، از سده نوزده و بیست و بعد، با شکل‌گیری دنیای مدرن و ملت-دولت‌های جدید در اطراف این شاخ‌آب، بحث فرهنگی مقداری کم فروغ شد و اهمیت سیاسی و استراتژیک بیشتر، البته که فرهنگ و تمدن ما در سراسر کرانه‌های خلیج فارس از یک تمدن غنی در این منطقه، به ویژه سواحل شمالی که سواحل سرزمینی ایران است، حکایت دارد. همچنین، در آثار جغرافیایی قدیم، چه در دوره قبل از اسلام و چه بعد از اسلام از این سواحل نام برده شده است. مثلاً در کتاب «شهرستان‌های ایران»

یا در کتاب «کارنامه‌ی اردشیر بابکان»، از این سواحل و برخی شهرهای خلیج فارس یاد شده است و این‌ها

کتاب «فتوحات صفویه»، یکی از آثار تازه میرمحمدصادق که به خلیج فارس مربوط است

معرفی کتاب

کتاب «تاریخ تنهایی» به بررسی تحول مفهوم «تنهایی» در غرب، از قرن هجدهم تا عصر دیجیتال، می‌پردازد. دیوید وینسنت، مورخ اجتماعی بریتانیایی در این اثر، تنهایی را، نه یک پدیده صرفاً روان‌شناختی، که تجربه‌ای تاریخی تحلیل می‌کند، پدیده‌ای که تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و فرهنگی شکل گرفته است.

کتاب در سه بخش اصلی تنظیم شده است:

۱- تنهایی در عصر پیشامدرن (قرن ۱۸ و ۱۹): وینسنت بحث خود را با بررسی تنهایی در جامعه‌کشاورزی و عصر صنعتی آغاز می‌کند. در این دوره، تنهایی، اغلب، پدیده‌ای ناخواسته بود، افرادی که به دلیل فقر، بیماری یا دوری از خانواده تنها می‌ماندند با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو بودند. باین حال، در میان طبقات مرفه، تنهایی، گاه، به عنوان فرصتی

همه نشان از این است که از نظر فرهنگی و تاریخی تا چه اندازه سرزمین ایران بر این شاخ‌آب تسلط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته است.

در چه برهه‌ها و دوره‌هایی از تاریخ ما، بیشتر به جنبه فرهنگی و تمدنی خلیج فارس توجه شده است؟ آیا اساساً سلسله‌ها و حکومت‌ها از این منظر به ظرفیت سواحل خلیج فارس نگاه کرده‌اند؟

آورده فرهنگی و تمدنی در حوزه شاخ‌آب خلیج فارس در همه دوره‌های تاریخی مهم بوده است. به هر حال، در برهه‌ای از زمان، اهمیت تجاری برجسته شده، چنان‌که در دوره ایلامی‌ها/عیلامی‌ها در شهر لیان و همین‌طور بندر ریشهر و بعد‌ها، در دوره اسلامی، در سیراف، هرکدام از این تغییر و تحولات بر اساس اهمیت اقتصادی صورت گرفته و، به هر حال، ما، تا الان، عمده پژوهش‌هایمان متمرکز بر تاریخ سیاسی بوده است. در حوزه اقتصادی، عمده تجارت ایران از طریق دریا صورت می‌گرفته است و، برای همین، در سده ۱۶ میلادی یا سده ۱۰ قمری، با حضور پرتغالی‌ها در هند و بعد در خلیج فارس، ما شاهد عصر استعمار هم هستیم. اگر تاریخ استعمار در جهان را بررسی کنیم، نشان می‌دهد که این منطقه چه اهمیتی دارد. اگر جلوتر بیایم، در سده ۱۹، حضور پررنگ انگلیسی‌ها را در خلیج فارس می‌بینیم که چگونه، با تشکیل کارگزاری‌های خودشان در سرتاسر سواحل خلیج فارس، یک امپراتوری غیررسمی را در این منطقه شکل می‌دهند. این هم مهم است که ما یک امپراتوری رسمی بریتانیا داریم که در هند است و یک امپراتوری غیررسمی، که صنویات شرکت هند شرقی انگلیس در هند و همچنین سیاست‌های انگلیس را در سرتاسر کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس از طریق همین کارگزاری‌ها و نمایندہ‌های تجاری پیش می‌برند. این هانشان می‌دهند که این منطقه، در همه دوره‌های تاریخی، با همه فرازونفرودها، اهمیت خودش را داشته است. همان‌طور که عرض کردم، با توجه به بحث انرژی و اینکه تأمین عمده انرژی جهان از این منطقه است، اهمیت سیاسی و استراتژیک این منطقه، به نسبت سایر مناطق جغرافیایی در جهان و حتی مناطق و بنادر تجاری در جاهای دیگر، بیشتر است. البته، از دوره صفویه، به ویژه برای اینکه آن‌ها می‌خواستند پرتغالی‌ها را از خلیج فارس بیرون کنند، و پس از آن، دریا خیلی مهم می‌شود. شاهدیم که شاه عباس اول به دنبال این بود که به تدریجی بتواند قطعات کشتی را به ایران بیاورند و خودشان سرهم کنند تا بتوانند در دریا حاکمیت ایجاد کنند. البته ما برخوردار از دریانوردی بودیم، اما - به هر حال - از دوره صفویه اهمیت دریا دوچندان می‌شود و بخشی از سیاست شاهان صفوی، به ویژه شاه عباس، متمرکز بر دریا می‌شود که بتواند ارتباطات خودش را با جهان بیشتر کند، به ویژه که در



غرب مشکلاتی با عثمانی داشته و ممکن بوده در طول جنگ‌ها مرزها بسته و صادرات کالا متوقف شود. برای همین، خلیج فارس برای او اهمیتی دوچندان داشته تا بتواند صادرات خودش را به کشورهای اروپایی از راه دریا انجام دهد.

آیا از سواحل خلیج فارس به کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس، آن اندازه که هندوانه و خربزه می‌رود، فرهنگ هم صادر می‌شود؟

خربزه و هندوانه کالاهایی هستند که ثبت می‌شوند و از طریق گمرک می‌روند، ولی کالاهای فرهنگی مانند تئاتر، سینما و محصولات هنرهای تجسمی گمرک‌پذیر نیستند که بگوییم به چه میزان صادر می‌شوند؛ البته که اثرگذاری خودشان را دارد. در جشنواره‌های هنری که برگزار می‌شود، هنرمندان جایگاه خود را دارند و توانسته‌اند هنرهای خودشان را به خوبی عرضه کنند و اثرگذار باشند. به هر حال، پشتوانه فرهنگ و هنر ایرانی پشتوانه‌ای ۱۵ هزار ساله است، البته، از این مدت، ما حاصل ۱۲ هزار سال آن غیرمکتوب است که نشانه‌اش اشیایی است که باقی مانده است، و دستاوردهای سه هزار سال آن هم به صورت مکتوب، از طریق لوح‌ها و کتیبه‌ها و سکه‌ها و بعداً نوشته‌های کاغذی و کتاب‌ها، به دست ما رسیده است. نشانه‌ها و نمادهایی از معماری ما در آنجا هست، مانند بادگیرهایی که فرهنگ ساخت آن از اینجاست به سواحل جنوبی خلیج فارس رفته است. اصطلاحات دریایی‌ای داریم که بخش عمده‌شان را دریانوردان ایرانی تولید کرده‌اند و از طریق آن‌ها به سواحل جنوبی خلیج فارس و همچنین هند و چین رفته است. بخش مهمی از فرهنگ ما از این طریق منتقل شده است، ولی نمی‌شود میزان و اندازه و متراژ صادراتش آن را بررسی کرد. باین همه، جای آن هست که از طریق فرهنگی و هنری اثر خودمان را در نواحی جنوبی خلیج فارس بگذاریم و حتی از بازار فرهنگی-هنری‌ای که می‌شود ایجاد کرد بهره‌مند شویم.

در همین روزهای اخیر، موضوع برگزاری جشنواره «کوچه» در بوشهر و تلاش برای مانع‌ت از برگزاری آن داغ شد. این درحالی است که -به عنوان مثال- امارات و به خصوص عربستان در سال‌های اخیر روی -به اصطلاح- برندینگ خودشان خیلی متمرکز شده‌اند و برای آن خیلی هزینه کرده‌اند. به نظرتان، چطور می‌شود، فراتر از یک روز ملی در تقویم، از سواحل خلیج فارس، جزایرش، فرهنگش و همه آنچه بومی است و می‌تواند جاذبه‌ای باشد برای گردشگر خارجی، برای معرفی فرهنگ ایران و پرسامدکردن نام خلیج فارس استفاده کرد؟ برنامه‌های فرهنگی مثل همین جشنواره‌ها، اگر جنبه بین‌المللی پیدا کنند، چقدر می‌توانند مؤثر باشند؟

جشنواره «کوچه» در بوشهر یا جشنواره «بندراتی» در چاپهار بخشی از میراث هنری ایران است که در طول زمان جاری و ساری بوده است؛ یعنی این شادی و غم، هرکدام، بنا به مناسبت‌هایشان، ریشه‌هایی دارند؛ برخی از سوگ‌ها مرتبط با اتفاقات دریا هستند، مثل ماجرای کشتی‌ای که رفته و دیگر برگشته است، یا سواحلی که قوفانی شده و مردم در کنار آن‌ها جمع شده‌اند و دعا خوانده‌اند یا، اگر خبر مصیبت باری رسیده است، در سوگ عزیزانشان مراسمی گرفته‌اند. این رفتارها و آداب طی قرون به فرهنگی تبدیل شده که نسل به نسل منتقل شده است. در همه جهان، چنین فرهنگ‌هایی را ارج می‌گذارند، هم فرهنگ‌هایی را که در آن‌ها سرور هست و هم فرهنگ‌هایی که در آن‌ها سوگ هست، پس به هر رخداد فرهنگی‌ای باید براساس ریشه تاریخی آن توجه کرد و ارج‌گزارد. افزون بر ارج‌گزاری بر این فرهنگ، ما می‌توانیم زمینه‌ای را فراهم کنیم که گردشگران فرهنگی محلی و جهانی را به این جشنواره‌ها دعوت کنیم و آن فرهنگ غنی خودمان را که در مناطق کرانه‌ای خلیج فارس هست نشان بدهیم، این را که ایرانیان در طول چندین هزار سال چگونه شکرگزار بوده‌اند، چگونه غمگسار بوده‌اند یا چگونه به بزم می‌نشسته‌اند. این فرهنگ‌های غنی و چند هزار ساله



«صورت بحر فارس»، از کتاب «مسالك الممالك» (سده ۴ هجری)

دارای پشتوانه و اسناد فرهنگی و مکتوب‌اند. این است که هر نقطه‌ای از این سواحل را باید به مناسبت‌های خاص خودش ارج‌گزارد. نمی‌شود گفت یک روز روز خلیج فارس است. اگر توجه کرده باشید، بیشتر جزایر خلیج فارس متعلق به ایران‌اند و، علاوه بر آن، در سواحل غیرایرانی هم برخی اسامی ریشه ایرانی دارند. یک روز پاسخگوی این فرهنگ و تمدن در طول تاریخ نیست؛ هر بخشش باید روز خاص خودش را داشته باشد، و باید احترام‌گزارد به فرهنگ بومی. نباید به آن فرهنگ بومی از نظر سیاسی و ایدئولوژیک نگاه کرد. در طول سالیان دراز، آن فرهنگ باوری به دریا و سرزمینش داشته که، حتی با حضور استعمار در این نواحی، توانسته‌آن را حفظ کند و به عنوان دستاوردی مهم به نسل امروز برساند. باید همیشه این فرهنگ را ارج‌گزارد، چون این فرهنگ ریشه در فرهنگ‌های ایرانی دارد. به هر حال، خیلی مهم است که بتوانیم از طریق جشن‌های فرهنگی و برخی سوگ‌یاد‌ها فرهنگمان را به مخاطب بین‌المللی نشان بدهیم. در محرم هم، در نواحی‌ای مانند بوشهر و خوزستان، مراسم خاصی دارند که از قدیم الایام زبانزد بوده است. به هر روی، ظرفیت خلیج فارس فقط محدود به تجارت و انرژی -که دنیای معاصر آن را پررنگ کرده- نیست. نگاه به داشته‌های محلی خیلی مهم است. سواحل خلیج فارس و جزایر آن بافت طبیعی بسیار زیبایی دارند که خودشان فرهنگی را ایجاد کرده‌اند دریا با دریا نیز این قابلیت را دارند که جشنواره خاص خود را داشته باشند. علاوه بر جشنواره موسیقی، جا دارد که جشنواره تئاتر، غذاهای دریایی و لباس‌های محلی هم در این منطقه و سواحل برگزار شود که مزیت‌های مهمی دارد.

و موسیقی هم به درک تنهایی کمک کرده‌اند و هم، گاه، به عنوان پناهگاهی برای افراد تنها عمل کرده‌اند. «تاریخ تنهایی» کتابی عمیق و خواندنی است که نشان می‌دهد تنهایی محصول تعامل پیچیده بین فرد و جامعه است. وینسنت، با نگاهی تاریخی، به ما یادآوری می‌کند که چگونه فهم گذشته می‌تواند به درک بهتر بحران تنهایی در جهان امروز کمک کند. این اثر برای علاقه‌مندان به تاریخ اجتماعی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی بسیار ارزشمند است.

«تاریخ تنهایی»، نوشته دیوید وینسنت، ترجمه محمود ایرانی فرد، نشر کتاب سرای میردشتی، ۲۲۲ صفحه، ۴۹۵ هزار تومان.

منبع: گسترش فرهنگ و مطالعات



می‌دهد که چگونه سیاست‌های دولتی، نظام اقتصادی و تحولات فناوری بر تجربه تنهایی تأثیر گذاشته است. تفاوت بین تنهایی اختیاری و اجباری: برخی افراد (مانند ژهبانان یا هنرمندان) به دنبال تنهایی هستند، درحالی‌که برای بسیاری دیگر تنهایی ناشی از طردشدگی اجتماعی است. نقش ادبیات و هنر: کتاب‌ها، سینما

۳- تنهایی در عصر دیجیتال (قرن ۲۱): وینسنت استدلال می‌کند که دیجیتالی شدن زندگی تنهایی را -به شکل متناقض‌نما- هم افزایش و هم کاهش داده است. از یک طرف، شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی احساس تنهایی را برای برخی کاهش داده‌اند، ولی، از طرف دیگر، جایگزین شدن روابط عمیق انسانی با تعاملات سطحی به تشدید احساس انزوا انجامیده است. در این کتاب چند نظریه‌کلیدی مطرح می‌شود: تنهایی به مثابه ساختار اجتماعی؛ وینسنت نشان

نگاهی به کتاب «تاریخ تنهایی»، نوشته دیوید وینسنت

سیر تنهایی و زمینه‌های شکل‌گیری آن